

بررسی انتقادی شاعران مجالس‌النفایس در عرفات‌العاشقین

هادی بیدکی^۱

دکتر محمد جعفر یاحقی^۲

دکتر سید مهدی زرقانی^۳

چکیده

بخش اعظمی از طبقه متوسطین عرفات‌العاشقین اوحدی برگرفته از شاعران مذکور در مجالس‌النفایس امیر علی شیر است و از آنجایی که این دو تذکره از منابع مورد مراجعه اغلب محققان است، ضرورت دارد که میزان صحت و سقم اطلاعات اوحدی در این اقتباس بررسی و روشن شود. برای این کار هرکدام از تراجم احوال مذکور در عرفات‌العاشقین با مأخذ آن، یعنی مجالس‌النفایس و ترجمه آن، لطایف‌نامه مقابله و سنجیده شده و اطلاعات اوحدی با ذکر شواهد متعدد، تحلیل و بررسی شده است. اوحدی در نقل مطالب مأخذ، چندان مقید به امانت و درستی نبوده است؛ زیرا گاه یک شاعر را دو شاعر جداگانه پنداشته و در دو ترجمه احوال آن‌ها را معرفی کرده و گاهی هم ابیات یک شاعر را به جز خودش، به شاعر دیگری نسبت داده و یا تنها به شاعرانی جز او منسوب کرده است. البته، در این انتسابات تراجم و ابیات، اغلب تشابهی میان عناوین تراجم وجود دارد؛ ولی گاهی این تراجم عناوینی کاملاً متفاوت با هم دارند. از طرفی، ضبط‌های عناوین بعضی از تراجم احوال نیز در دومین تصحیح عرفات‌العاشقین به نادرستی انتخاب شده است و این اغلاط گاه ناشی از انتخاب ضبط‌های نادرست منابع جانبی به جای نسخه‌های عرفات‌العاشقین است و گاه نتیجه بسنده کردن مصححان به نسخه‌های مغلوط عرفات‌العاشقین و بهره نبردن از ضبط‌های درست منابع جانبی است.

کلیدواژه‌ها: بررسی انتقادی، شاعران، مجالس‌النفایس، عرفات‌العاشقین.

h.bidaki@mail.um.ac.ir

mgyahagi@um.ac.ir

zarghani@um.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۳- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۱. درآمد

دوره رونق تذکره‌نویسی از قرن دهم به بعد است. تا اواخر قرن نهم تنها چهار تذکره ادبی در اختیار داریم: *لباب‌الالباب* (۶۱۸ ق) عوفی، *تذکره‌الشعرا* (۸۹۲ ق) دولت‌شاه و *مجالس‌النفایس* (۸۹۶ ق) امیر علی شیر نوایی. زرقانی (۱۳۹۰: ۴۳) نشان داده که سنت تذکره‌نویسی فارسی تحت تأثیر تذکره‌نویسی عربی است و کتاب‌هایی مثل *تیمه‌الدهر* ثعالبی، ایده نوشتن تذکره‌های فارسی را به اذهان درآورد. نخبه‌گرایی تذکره‌نویسان سبب شد که نگاه آن‌ها یا معطوف باشد به شاعران طراز اول و یا متوجه شاعرانی باشند که به دربارها آمدوشد داشتند. از حدود قرن نهم که امیر علی شیر نوایی با توجه به شاعران غیر نخبه، شعر توده مردم را هم به رسمیت شناخت، به تدریج پای شاعران متوسط و بعد شاعران کوچک و بازار به تذکره‌ها باز شد و وقتی پارسی‌گویان هند تصمیم گرفتند نام شاعران متوسط و ضعیفشان را هم در تذکره‌ها ثبت کنند تا کاروان شاعرانشان پر تعداد به نظر رسد، نیاز به نوشتن تذکره‌های جدید بیشتر و بیشتر شد. در این میان، *مجالس‌النفایس* و *عرفات‌العاشقین* دو نقطه عطف هستند؛ یکی به اعتبار نقطه آغاز به رسمیت شناخته شدن شاعران غیر نخبه‌گرا و دیگری به عنوان تذکره‌ای که در قرن دهم همان روش را گسترش داد. یک مرور ساده بر ارجاعات تذکره‌های بعدی ثابت می‌کند که *عرفات* بسیار مورد توجه تذکره‌نویسان پس از خود بوده است؛ چنان‌که مقایسه این تذکره با آنچه در *مجالس* و ترجمه‌های آن آمده، ثابت می‌کند یکی از منابع اصلی اوحدی همین تذکره بوده است. پرسش اصلی ما در مقاله حاضر این است که اوحدی در انتقال مطالبی که از *مجالس* خوانده، تا چه حد به متن مقید مانده است؟

۲. پیشینه تحقیق

در باره دو تذکره مورد نظر ما مقالات و کتاب‌های زیادی نوشته شده است. از نخستین نمونه‌ها باید از احمد گلچین معانی (۱۳۶۳) یاد کنیم که به استفاده اوحدی از *مجالس* اشاره کرده است. پس از او بیگی حبیب‌آبادی (۱۳۸۸) اطلاعاتی درباره زندگی امیر علی شیر ارائه می‌دهد و اشرف‌زاده (۱۳۸۸) نکات انتقادی *مجالس* را فهرست می‌کند. شفیع‌یون در دو مقاله جداگانه (۱۳۹۳، ۱۳۹۵) برخی نسخه‌های خطی و چاپ‌های *لطایف‌نامه* و *مجالس‌النفایس* را معرفی کرده و غلط‌های چاپی اولی را

برشمرده است و بیدکی (۱۳۹۴) با عنایت به نسخه‌*لطایف‌نامه* موجود در موزه بریتانیا و چاپ *مجالس‌النفائس* تاشکند و نسخه‌های آن، ضرورت تصحیح انتقادی این اثر را یادآور شده است.

عرفات‌العاشقین بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. از قدیمی‌ترین تحقیقات در مورد این تذکره باید به مقاله آل داوود (۱۳۷۴) اشاره کنیم که با رویکرد زندگی‌نامه‌ای به سراغ اوحدالدین بلیانی رفته است. همین نگاه را در مقاله علی‌زاده (۱۳۹۰) هم می‌بینیم. زنان شاعر در *عرفات* موضوع دیگری است که توجه آل داوود (۱۳۸۶) را به خود جلب کرده است. با انتشار تصحیح انتقادی *عرفات* در سال ۱۳۸۸ توجه منتقدان به این تذکره بیشتر شد. بررسی انتقادی تصحیح جدید یک‌بار در سال ۱۳۸۹ در کتاب ماه چاپ شد و بار دیگر شفیع‌یون (۱۳۸۹) در مقاله مستقلی ایراداتی را بر تصحیح وارد دانست. پس‌ازاین، آل داوود (۱۳۹۰) جایگاه *عرفات* را در میان دیگر تذکره‌ها تبیین می‌کند. محمود فتوحی (۱۳۹۲) نیز به همین موضوع از منظری دیگر پرداخته است. برخی تحقیقات هم مقایسه‌ای است: عبداللهی (۱۳۹۰) *عرفات* را با *ریاض‌الشعرا* داغستانی از لحاظ ویژگی‌های متنی (زبانی، بلاغی و محتوایی) مقایسه کرده و رضوی (۱۳۹۴) نیز به‌طور مختصری همین دو تذکره را مقایسه کرده است. از آنجاکه *عرفات* به کانون‌های ادبی هم توجه داشته، مقالاتی نیز با عنایت به این بُعد تذکره مذکور نوشته شدند. مثلاً علی‌زاده (۱۳۹۲) اوضاع کانون ادبی آذربایجان، شفیع‌یون (۱۳۹۳) وضعیت کانون ادبی اصفهان، ابویی مهریزی (۱۳۹۳) حال‌وروز کانون ادبی یزد، نحوی (۱۳۹۳) و ایرانی (۱۳۹۳) در دو مقاله جداگانه به شاعران کانون ادبی فارس پرداخته‌اند. موضوعات دیگری مثل فرقه حروفیه در *عرفات* (۱۳۹۳) و بررسی اشعار قطران در دو تصحیح متفاوت این تذکره (۱۳۹۳)؛ همچنین اهمیت و نقش *عرفات* در آشکارسازی روابط ایران و هند و چین و گسترش زبان فارسی در آن مناطق (۱۳۹۳) مورد توجه منتقدان و پژوهشگران بوده است. با عنایت به این که منبع مستقیم اوحد الدین بلیانی در نوشتن طبقه متوسطین *عرفات*، تذکره *مجالس‌النفائس* و ترجمه آن یعنی *لطایف‌نامه* بوده است (یا حقی، ۱۳۹۳: ۶۸۸)، ما در صدد برآمدیم تا از طریق مقایسه داده‌های *عرفات* با دو تذکره پیش از او هم اشتباهاتی را مشخص کنیم که بلیانی ناخواسته وارد متن تذکره‌اش کرده و هم ایراداتی که بر مصححان *عرفات* وارد است.

۳. دو تذکره مهم

مجالس‌النفایس سومین تذکره باقی مانده درباره شاعران فارسی گو و بعضاً ترکی گوست که آن را امیر علی شیر نوایی (۹۰۶ ق) به زبان ترکی جغتایی در سال ۸۹۶ ق نوشت و سی و دو سال بعد (۹۲۸ ق) فخری هروی آن را برای نخستین بار به فارسی ترجمه کرد و نام آن را *لطایف‌نامه* نهاد. اطلاعات مفید و دست‌اول امیر علی شیر موجب شد که این تذکره چهار بار دیگر هم ترجمه شود: حکیم‌شاه قزوینی در سال ۹۲۹ ق (چاپ علی اصغر حکمت همراه با ترجمه اول در یک جلد)، شیخ‌زاده فیض نیمردانی در سال ۹۶۱ ق (نسخه خطی طاهری شهاب در ساری)، شاه‌علی بن عبدالعلی در اوایل سده ۱۱ ق (نسخه خطی موزه بریتانیا) و سرانجام میرزا عبدالباقی شریف رضوی در اواسط سده ۱۳ ق (نسخه خطی مدارس کلکته) (← بیدکی، ۱۳۹۴: ۵۹-۵۸). این چهار ترجمه نتوانست جای *لطایف‌نامه* را در نظر تذکره‌نویسان بعدی بگیرد و همچنان بیشترین ارجاع تذکره‌نویسان و تاریخ ادبیات نویسان فارسی به همان ترجمه نخست است. ترکی بودن زبان *مجالس‌النفایس* و ترجمه خوب هروی از آن و علل احتمالی دیگر، سبب شده که *مجالس* تاکنون در ایران تصحیح و چاپ نشود. در خارج ایران این تذکره چند بار تصحیح و چاپ شده که مهم‌ترین آن تصحیح سیومه غنی‌واست (۱۹۶۱ م) که با الفبای منطبق با نسخ خطی *مجالس‌النفایس* در تاشکند منتشر شد و بعدها اساس دیگر چاپ‌ها قرار گرفت. غنی‌وا متن *مجالس‌النفایس* را بر اساس نسخه مورخ ۹۰۳ ق محفوظ در کتابخانه ملی وین و مقابله آن با چند نسخه کهن و معتبر دیگر مانند نسخه مورخ ۹۳۳ ق محفوظ در کتابخانه ملی پاریس تصحیح انتقادی کرده است (همان: ۶۰-۵۹).

لطایف‌نامه تاکنون دو بار در لاهور و تهران تصحیح و چاپ شده است؛ نخستین بار سید عبدالله آن را در لاهور بین ۱۹۳۳-۱۹۳۱ م در مجله «اورینتل کالج میگزین» (Oriental College Magazine) به چاپ رساند و پس از او، علی اصغر حکمت در تهران (۱۳۲۱ ش) منتشر کرد (یاحق، ۱۳۹۳: ۵/۳۸). هر دو چاپ بر اساس یک نسخه خطی از *لطایف‌نامه* و مقابله گاه‌گاهی متن آن با نسخ *مجالس* صورت گرفته است؛ به طوری که چاپ لاهور بر اساس نسخه موزه بریتانیا (مورخ ۹۶۵ ق) و چاپ تهران بر اساس نسخه محمد نخجوانی تبریزی (مورخ ۹۹۲ ق) تصحیح و منتشر شده است. متأسفانه، هر دو چاپ در واقع، بازنویسی یکی از نسخ *لطایف‌نامه* و مقابله ناقص متن آن با نسخ مغلوپ *مجالس* هستند و پایبندی مصححین به تک نسخه اساس، باعث شده تا تصحیح هر دوی آنان مغلوپ و ناقص

از کار درآید. یک مرور اجمالی بر تذکره‌هایی نظیر *هفت‌اقلیم*، *خلاصه‌الاشعار*، *عرفات العاشقين*، *مرآت‌الخیال*، هم‌چنین تاریخ ادبیات‌هایی مانند *تاریخ ادبی ایران* از ادوارد بروان (جلد سوم و چهارم)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی* از سعید نفیسی (جلد اول و دوم) و *تاریخ ادبیات در ایران* از ذبیح‌الله صفا (جلد چهارم و پنجم) نشان می‌دهد که قلمرو معنوی *لطایف‌نامه* بسیار گسترده است.

عرفات العاشقين تذکره‌ای عمومی و بسیار مفصل است که بین ۱۰۴۰-۹۷۳ ق توسط تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی (ف ۱۰۵۰ ق) تألیف شد و متن آن در سه طبقه متقدمین، متوسطین و متأخرین تنظیم شده است. این تذکره نخستین بار در ۱۳۸۸ ش توسط محسن ناجی نصرآبادی و بار دوم در ۱۳۸۹ ش توسط ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد تصحیح و چاپ شد که مراجعه ما در این مقاله به تصحیح دوم بوده است. میزان تأثیر *لطایف‌نامه* بر *عرفات* را وقتی متوجه می‌شویم که بدانیم بیش از نود درصد مطالب طبقه متوسطین، همراه با بخشی از طبقه متأخرین آن برگرفته از *لطایف‌نامه* فخری هروی است و اگر مطالب برگرفته از این تذکره را از *عرفات العاشقين* حذف کنیم، چیزی از طبقه متوسطین آن باقی نمی‌ماند. البته، مؤلف *عرفات العاشقين* نیز در صدر اغلب تراجم احوال تذکره خود به وضوح به نام *مجالس النفايس* یا مؤلف آن، امیر علی شیر و *یا لطایف‌نامه* اشاره کرده و مقایسه مطالب او با متن *لطایف‌نامه* هم این تأثیر و نفوذ را که اغلب لفظ به لفظ است، آشکار می‌کند. *عرفات* هم مانند *لطایف‌نامه* مورد توجه جدی تذکره‌نویسان و مورخان ادبی قرار گرفت. دو چاپ علی‌اصغر حکمت از *لطایف‌نامه* و ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد از *عرفات العاشقين* دارای اعتبار پژوهشی بالایی است و به همین دلیل ما اساس بررسی خود را همین منابع قرار دادیم؛ ولی برای بعضی از تراجمی که در چاپ حکمت وجود نداشت و یا عنوان آن‌ها اشتباه تصحیح شده بود، به تصحیح تازه *لطایف‌نامه* که بر اساس نسخه لندن انجام شده، مراجعه شد.

۴. بررسی مقایسه‌ای

بررسی انتقادی تذکره *عرفات* را باید در دو سطح پیش برد: نخست آنچه به خود متن تذکره مربوط می‌شود و دیگر آنچه به تصحیح مصححان ربط پیدا می‌کند. ما ابتدا به ایرادات محتوایی خود *عرفات* خواهیم پرداخت و سپس به سراغ تصحیح آن و آنچه که به لطایف مربوط می‌شود، خواهیم رفت. ایرادات محتوایی خود متن را در چند محور زیر می‌توان خلاصه کرد.

۴-۱- جعل شخصیت

در طبقه متوسطین عرفات که برگرفته از مجالس و لطایف است، گاهی شباهت توضیحات اوحدی درباره دو شاعر چندان زیاد است که خواننده حدس می‌زند آن دو باید یک نفر باشند. حدس مذکور وقتی تقویت می‌شود که بدانیم در نسخه‌های خطی مختلف که از مجالس و ترجمه آن در اختیار داریم، اشتباهاتی در ترجمه احوال شاعران رخ داده است و اوحدی برخی از آن خطاها را وارد تذکره خود کرده و از آن طریق به تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های بعدی راه یافته است. مثلاً فخری هروی (۱۳۲۱: ۱۲-۱۱) مولانا اشرف خیابانی را که در تصحیح حکمت شرف ضبط شده است، این‌طور معرفی می‌کند: «از جمله شاعران درویشی است که با مردم ارتباط اندکی داشت و به نظیره‌گویی خمسه نظامی مشغول بود. ابیات زیر از سروده‌های اوست:

- به نزد کسی کو به دانش مه است ز مجرم‌گشی جرم‌بخشی به است
- خواهم که چوب تیر شوم تا گاه‌گاه بر حال من به گوشه چشمی کنی نگاه
- بی‌هنری مایه صد غم بود صد هنر از آدمی‌ای کم بود

در عرفات (۱۳۸۹: ۴/۲۱۰۳، ۱/۴۶۹) دو ترجمه احوال با عناوین مولانا شرف خیابانی و درویش اشرف ذکر شده؛ اما سه بیت بالا ذیل ترجمه شرف و دو بیت اول آن ذیل ترجمه اشرف آمده است. وجود سه بیت که به دو شاعر نسبت داده شده و تشابه اسمی شرف و اشرف این حدس را به ذهن متبادر می‌کند که این دو شاعر یک نفر بیش نیستند و اوحدی اطلاعات مربوط به آن‌ها را از دو منبع (نسخه یا نسخه‌های مجالس و ترجمه آن) استفاده کرده است.

نظیر همین وضعیت را در مورد مولانا محمدعالم سمرقندی مشاهده می‌کنیم که فخری هروی (۱۳۲۱: ۱۵) او را «از جمله شاعران دانشمندی» می‌داند که «هم‌سبق و مصاحب الغیبیگ بود و بسیار طبعی گستاخ و شوخ داشت. بیت زیر از سروده‌های اوست:

- ما سیه‌روزیم و بدبختیم و خرمن سوخته شمع مقصودی به عمر خود شبی فروخته

در عرفات/العاشقین (۱۳۸۹: ۵/۲۷۴۵، ۶/۴۰۴۵) دو مدخل آمده است: یکی ترجمه احوال محمدعالم سمرقندی و دیگری ترجمه حال محمد سمرقندی و بیت بالا به هر دوی آن‌ها منسوب

شده است. اینجا هم همان وضعیت دیده می‌شود؛ یعنی تشابه نام‌ها و بیت مشترک دلایل احتمالی خطای اوحدی است.

نمونه دیگر مولانا سعیدی مشهدی است، که حکمت و به تبع او، وحیدیان کامیار (۱۳۹۱: ۱۹) آن را سعیدی ضبط کرده و فخری هروی (۱۳۲۱: ۴۴-۴۳) درباره اش این گونه می‌نویسد: «از جمله شاعرانی است که به کاسه‌گری اشتغال داشت و در هرات درگذشت. دو بیت زیر از سروده‌های اوست:

ز بهر قطع هستی حيله از صد جای انگیزم که تا یک لحظه با آن دلبر خود رای آمیزم
شبی بنشین و چندانی شراب بی حسابم ده که توانم که تا روز حساب از جای برخیزم

اوحدی (۱۳۸۹: ۳/ ۱۸۴۰، ۱۸۳۹) یکبار از مولانا سعیدی مشهدی و بار دیگر از سعد مشهدی یاد کرده، بیت اول را ذیل شرح حال اولی و بیت دوم را ذیل شرح حال دومی می‌آورد؛ اینجا نیز تشابه نام‌ها و ابیات مشترک دلالت می‌کند بر این که احتمالاً اوحدی اشتباه کرده است.

از این نمونه‌ها باز هم در عرفات یافت می‌شود که خلاصه آن‌ها طبق جدول زیر چنین است:

لطایف‌نامه	عرفات العاشقین
خواجه ابوالوفا (۹)	خواجه ابوالوفا و خواجه ابوالوفا پر فرشته (۱/ ۱۴۷؛ ۵/ ۳۲۱۵)
سید هاشمی (۱۴)	سید علی هاشمی و میر هاشمی (۵/ ۲۹۵۳؛ ۷/ ۴۶۴۸)
عارفی هروی (۲۰)	عارفی هروی و عارفی (۵/ ۲۷۳۹، ۲۷۴۲)
محمد جامی (۲۳)	محمد جانی و محمد جامی (۲/ ۱۰۰۵؛ ۶/ ۴۰۳۲)
مسعود قمی (۳۸)	مسعود ترکمان و مسعود قمی (۶/ ۳۹۳۸، ۳۹۳۹)
مولانا صافی (۷۹)	مولانا صافی و شیخ صافی (۴/ ۲۳۱۰، ۲۳۴۰)
مسعود شروانی (۹۱)	کمال‌الدین مسعود شروانی و مسعود شروانی (۶/ ۳۹۴۱، ۴۱۰۵)
سید جعفر (۹۶)	سید جعفر و سید جعفر صافی (۲/ ۱۰۰۷؛ ۴/ ۲۳۱۱)
صفی: فخرالدین (۹۸)	مولانا صفی و فخری کاشفی (۴/ ۲۳۲۵؛ ۵/ ۳۲۰۰)

حسین علی جلایر طفیلی	امیر حسین علی جلایر و میر حسین طفیلی (۲/ ۱۱۵۸)؛
(۱۰۸)	(۲۴۹۱ / ۴)
ابوالبرکه (۱۱۵)	ابوالبرکه سمرقندی و ابوالبرکه فراقی (۱/ ۴۳۲؛ ۵/ ۳۲۱۴)
میر محمد میر یوسف (۱۳۷)	امیر محمد امیر یوسف و میر محمد یوسف خلقی (۶/ ۳۹۳۰؛ ۲/ ۱۳۷۶)
زلالی خوارزمی (۱۴۶)	زلالی اورگنجی و زلالی (۳/ ۱۶۷۸، ۱۶۵۰)
بهاءالدین صابر (۱۴۶)	بهاءالدین قاضی ابوالبرکه و بهاءالدین صابر (۲/ ۷۸۸؛ ۴/ ۲۳۱۱)
علمی خراسانی (۱۵۰)	علمی خراسانی و علمی قانونی (۵/ ۲۷۹۲، ۲۹۵۷)
حافظی کرمانی (۱۵۳)	حافظ حکاک و حافظی کرمانی (۲/ ۱۱۴۵، ۱۲۰۶)
محمد بدخشی (۹۵)	محمد بدخشی، بدخشی سمرقندی و حمید بدخشی (۲/ ۱۱۷۵، ۷۶۸؛ ۶/ ۳۹۲۸)

۴-۲- انتساب نادرست ابیات

ایراد دیگری که بر اوحدی می‌توان گرفت، انتساب ابیات یک شاعر به شاعر دیگر است. این امر هم به علت شباهت زیاد نام یا تخلص شاعرانی است که وی در طبقه متوسطین عرفات آورده و آنها را از مجالس یا لطایف نقل کرده است؛ شباهتی که تذکره‌نویس را به اشتباه انداخته است. مثلاً فخری هروی (۱۳۲۱: ۸) بیت زیر را از آن حافظ سعد دانسته است که مطابق با گزارش او مرید قاسم انوار بوده و به دلیل مصاحبت با اوپاش هرات، مورد خشم امیر قاسم قرار گرفته است:

مرا در عالم رندی به رسوایی علم کردی دلم بردی و جانم را ندیم صد ندم کردی

این بیت در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۳/ ۱۸۳۸، ۱۸۳۹) یکبار به درستی ذیل ترجمه احوال حافظ سعد ثبت شده؛ اما بار دیگر به سعد یا سعید مشهدی منسوب شده که نادرست است. ترجمه احوال هر دو شاعر در مجلس اول و دوم *لطایف‌نامه* (۱۳۲۱: ۸، ۴۳) و *طبقه متوسطین عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۳/ ۱۸۳۸، ۱۸۴۰) آمده است.

همچنین، فخری هروی (۱۳۲۱: ۲۵) بیت زیر را از سروده‌های مولانا شرف‌الدین علی یزدی می‌داند و سراینده‌اش را از جمله شاعران صوفی‌ای معرفی می‌کند که امیر علی شیر نوایی در دوران کودکی در شهر تفت یزد با او ملاقات کرده و مورد عنایت و التفات او قرار گرفته است:

صوفی مباش منکر رندان می‌پرست کاندر پیاله پرتوی از عکس دوست هست

اما اوحدی (۱۳۸۹: ۴ / ۲۱۰۶، ۲۲۱۴) یکبار این بیت را به‌درستی ذیل ترجمه احوال مولانا شرف‌الدین علی یزدی ثبت کرده و بار دیگر به‌اشتباه آن را به شرف‌الدین اغلی تکلو نسبت داده است. همچنین، فخری هروی (۱۳۲۱: ۴۶) این بیت را به خواجه احمد نسبت می‌دهد که از جمله شاعران شوخ‌طبع خراسان بوده و اغلب مردم هرات با او مطایبه داشته‌اند:

خری برگشته پالان سوی ده تاخت چراگاه ده از گاوآن بپرداخت

اما در عرفات (۱۳۸۹: ۱ / ۴۱، ۳۹۱۰ / ۶) یکبار به‌درستی ذیل ترجمه خواجه احمد مجلد ثبت شده و بار دیگر به‌اشتباه به مجلد خراسانی منسوب شده است. مجلد اخیر از شاعران قرن چهارم و معاصر با مجلدهی / مخلص گراگانی بوده و خواجه احمد مجلد از شاعران قرن نهم و معاصر با مولانا عبدالرحمان جامی و امیر علی شیر نوایی (فخری هروی، ۱۳۲۱: ۴۶).

چنان‌که ملاحظه می‌کنید تشابه نام یا تخلص دو شاعر سبب اشتباه مذکور شده است؛ اما در موارد دیگری هم هست که تشابه میان دو شاعر، که می‌تواند دلیل منطقی برای اشتباه باشد، وجود ندارد و معلوم نیست چرا اوحدی چنین اشتباهی را مرتکب شده است. مثلاً بیت زیر از مولانا خیالی بخاری است که به تعبیر فخری هروی (۱۳۲۱: ۱۲) «از جمله شاعران خوش‌خلق است که شاگرد خواجه عصمت‌الله بخاری بود و در بخارا درگذشت»:

گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد یعنی که تو را می‌طلبم خانه‌به‌خانه

حال آن‌که در عرفات (۱۳۸۹: ۲ / ۱۳۳۷، ۳۹۰۲ / ۶) این بیت یکبار به‌درستی ذیل ترجمه احوال مولانا خیالی بخاری ثبت شده و بار دیگر به مولانا مانی شیرازی منسوب شده است. مانی شیرازی از شاعران قرن دهم و معاصر با شاه اسماعیل صفوی است و مولانا خیالی بخاری از شاعران قرن نهم و متوفی ۸۵۰ ق.

فخری هروی (۱۳۲۱: ۱۵) ابیات زیر را هم به مولانا قدسی هروی نسبت می‌دهد که «از جمله شاعران شیرین‌گویی است که بیماری لقوه داشت و قادر نبود آب دهانش را نگه دارد»:

- با وجود لب و دهن که مراست شعر گویم که آب از آن بچکد
- ای که منعم می‌کنی از دیدن آن گل‌عذار حالت دل را نمی‌دانی مرا معذور دار

اوحدی (۱۳۸۹: ۶ / ۳۴۱۱، ۷ / ۴۴۰۵) همین ابیات را یک‌بار به درستی ذیل ترجمه احوال قدسی هروی ثبت کرده و بار دیگر در طبقه متأخرین به ناقد هروی منسوب می‌کند. ناقد هروی از شاعران قرن نهم و معاصر با قاسم انوار است و قدسی هروی از شاعران قرون دهم و یازدهم و معاصر با خود اوحدی.

نمونه دیگر بیتی است که فخری هروی (۱۳۲۱: ۲۲) آن را از آن مولانا مسیحی فوشنجی، «از جمله شاعران پاکیزه‌روزگار و مسلمان‌سیرتی که طبع شوخی داشت و به زیارت مکه رفت»، می‌داند:

ما را به جفا کشته پشیمان شده باشی خون دل ما ریخته حیران شده باشی

در عرفات (۱۳۸۹: ۶ / ۳۹۳۸، ۷ / ۶۵۹) یک‌بار ذیل ترجمه احوال مولانا مسیحی فوشنجی آمده و بار دیگر به اشتباه به هلالی جغتایی منسوب شده است.

همچنین، بیت زیر که مطابق با گزارش فخری هروی (۱۳۲۱: ۲۸) از سروده‌های مولانا محمد تبادکانی است؛ «از جمله شاعران صوفی که شاگرد شیخ زین‌الدین بود و بر منازل‌السائیرین خواجه عبدالله انصاری شرحی نوشت»:

آنان که به‌جز قامت سروت نگراند گر راست بگویی همه کوتاه‌نظرانند

اما در عرفات (۱۳۸۹: ۶ / ۳۹۱۹، ۳۳۹۷) علاوه بر این که ذیل ترجمه احوال مولانا محمد تبادکانی ثبت شده، به قاسم انوار نیز منسوب شده است.

در عرفات از این‌گونه جابه‌جایی‌ها و انتساب‌ها زیاد دیده می‌شود. مثلاً بیت زیر به روایت فخری هروی (۱۳۲۱: ۱۷) از سروده‌های مولانا علی شهاب ترشیزی است:

چو پرده از رخ چون آفتاب برداری به جان و دل کندت مشتری خریداری

اوحدی (۱۳۸۹: ۲۷۹۹/۵) هم آن را ذیل ترجمه احوال مولانا علی شهاب ترشیزی آورده و هم به خواجه شهاب‌الدین شیرعلی ترشیزی (همان: ۲۲۸۳/۴) و در جای دیگری به شمس‌الدین بن شهاب‌الدین روحانی منسوب کرده است (همان: ۲۰۰۷/۴). دو شاعر نخست یک تن بیش نیستند و سومین هم از مداحان خسرو شاه بن بهرام‌شاه غزنوی بوده که در قرن ششم می‌زیسته است. همچنین، بیت زیر که از مولانا خسروی (فخری هروی، ۱۳۲۱: ۴۰) است؛ اما اوحدی (۲/ ۱۳۶۴، ۱۳۶۹، ۳۴۱۷/۶) یک‌بار آن را به نقل از *مجالس النفاثس* ذیل ترجمه احوال ملا خردی ذکر می‌آورد؛ بار دوم، ذیل ترجمه بابا خسروی و بعد بر امیر علی‌شیر ایراد می‌گیرد که چرا آن را به ملا خردی منسوب کرده و بار سوم، ذیل ترجمه احوال مولانا قنبری نیشابوری. این در حالی است که، در *مجالس و لطایف‌نامه* اصلاً ترجمه احوالی با عنوان ملا یا مولانا خردی وجود ندارد که بیت بالا به او منسوب باشد و بابا خردی و بابا خسروی در واقع، مولانا خسروی است که بیت سروده او به مولانا قنبری نسبت داده شده است:

ز لعل یار دندان‌ی گرفتم حیاتی یافتم جانی گرفتم

مولانا شوخی نیز فرزند شیخ سعید لاده از جمله شاعرانی است که طبع نیکی داشت و این بیت از سروده‌های اوست:

نیست ره پیش سگان او من آواره را تا بدیشان گویم احوال دل بیچاره را

(فخری هروی، ۱۳۲۱: ۸۲).

اوحدی (۱۳۸۹: ۲۱۵۰/۴، ۳۹۷۴/۶) ترجمه احوال او را آورده؛ اما بیت مذکور را به پهلوان محمد ابوسعید نسبت داده است. در حالی که، ترجمه احوال پهلوان محمد ابوسعید در *مجالس* (۱۹۶۱: ۱۳۷) و *لطایف* (۱۳۲۱: ۹۰-۸۹) مذکور است؛ ولی این بیت ذکر نشده است.

همچنین، سلطان‌محمود فرزند خواجه شمس‌الدین بتکچی از جمله شاعرانی است که در علم نجوم مهارت داشت و بیت زیر از سروده‌های اوست:

شد روز من سیه همه از روزگار من کس را مباد روز من و روزگار من

(فخری هروی، ۱۳۲۱: ۸۵).

در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۲/ ۱۸۴۵، ۴/ ۲۱۵۰) ترجمهٔ احوال سلطان محمود^۱ مذکور است؛ ولی بیت بالا به جای انتساب به او، اشتبهاً ذیل ترجمهٔ احوال مولانا شوخی ذکر شده است. پهلوان محمد ابوسعید نیز از ورزشکاران شاعری است که با امیر علی شیر نوایی دوستی و صمیمیت داشت و بیت زیر از سروده‌های اوست:

گنج زر گر نبود کنج قناعت باقی است آنکه آن داد به شاهان به گدایان این داد
(فخری هروی، ۱۳۲۱: ۸۹).

در *عرفات‌العاشقین* (۱۳۸۹: ۶/ ۲۱۵۰، ۲/ ۱۸۴۵) ترجمهٔ احوال پهلوان محمد ابوسعید مذکور است ولی بیت بالا به جای انتساب به او، اشتبهاً ذیل ترجمهٔ احوال خواجه سلطان محمود^۲ ذکر شده است.

همچنین، مولانا خیری خوارزمی از جمله شاعران خوش خلقی است که با وجود تهیدستی، با مادرش عازم سفر حج شد و بیت زیر از سروده‌های اوست:

به روز تشنگی آب روان نبود هوس ما را دم تیغ تو را گر بر گلو مالیم بس ما را
(فخری هروی، ۱۳۲۱: ۱۱۷).

اوحدی (۱۳۸۹: ۳/ ۱۸۲۰) اصلاً دربارهٔ مولانا خیری مطلبی نیاورده و بیت بالا را اشتبهاً به سایی قرشی منسوب می‌کند. ترجمهٔ احوال سایی قرشی در *مجالس* (۱۹۶۱: ۱۸۶) و *لطایف* (۱۳۲۱: ۱۱۸) آمده؛ اما هیچ‌کدام از دو تذکره‌نویس بیت زیر را به او نسبت نداده‌اند.

مولانا ولی قلندر نیز از شاعران ملازم بابر میرزا است که پیربداغ میرزا او را از هرات به شیراز برد و بیت زیر از سروده‌های اوست:

دریادلیم و همّت ما فارغ از دُر است گر دست ما تهی است، ولی چشم ما پُر است
(فخری هروی، ۱۳۲۱: ۴۰).

۱- *عرفات‌العاشقین*: محمد، متن = *لطایف‌نامه*.

۲- *عرفات‌العاشقین*: محمد، متن = *لطایف‌نامه*.

در *عرفات العاشقين* (۱۳۸۹: ۷/ ۴۵۵۳-۴۵۵۲، ۲/ ۱۱۶۸، ۷/ ۶۹۶) ترجمه احوال مولانا ولی قلندر مذکور است؛ ولی بیت بالا نه به او بلکه اشتباهاً به سلطان حسين ميرزا و نیز محمد همايون پادشاه نسبت داده شده است.

فهرست‌واره زیر شامل نمونه‌های بیشتری است که مؤلف *عرفات العاشقين* ابیات یک شاعر را جز خودش، به شاعر دیگری نسبت داده و شرح حال آن‌ها به یکدیگر شباهت دارد:

لطایف‌نامه عرفات العاشقين

سید حزینی (۷۸)	سید حزینی و سید حسینی (۲/ ۱۱۴۶، ۱۱۱۵)
شیخ‌زاده پورانی (۹۷)	شیخ‌زاده پورانی و شیخ بایزید نورانی (۴/ ۲۱۶۶؛ ۵/ ۲۸۴۵)
صلی: قاضی عبدالرحمان (۱۰۲)	عبدالرحمان وصلی و میر اصلی (۷/ ۴۵۴۷؛ ۱/ ۴۳۲)
سلطان حسین ختمی ^۱ (۱۱۰)	سلطان حسین سرخطی و اختمی (۳/ ۱۸۴۴؛ ۱/ ۴۴۷)
یامغورچی بیگ ^۲ (۱۱۱)	یغمورچی سپاهی و میرزا شاه حسین (۷/ ۴۷۴۳؛ ۳/ ۱۸۲۷)
شاه‌غریب میرزا (۱۵۱)	شاه‌غریب میرزا و غریبی (۵/ ۲۹۸۸، ۲۹۸۶)
شاهک (۱۷۲)	شاهک ^۳ و آقا شاهکی (۴/ ۲۰۹۷، ۲۱۸۶)

فهرست‌واره زیر شامل نمونه‌های بیشتری است که مؤلف *عرفات العاشقين* ابیات یک شاعر را جز خودش، به شاعری دیگر نیز نسبت داده؛ ولی عناوین تراجم آن‌ها با یکدیگر متفاوت است:

لطایف‌نامه عرفات العاشقين

مولانا قدیمی (۲۲)	قدیمی نقاره‌چی و مولانا رجایی هروی (۶/ ۳۴۰۹؛ ۳/ ۱۵۶۶)
امیر شیخ‌م سہیلی (۳۲)	شیخ‌م سہیلی و طوطی ترشیزی (۷/ ۴۵۵۴؛ ۴/ ۲۴۵۲)
قاضی زاده (۸۴)	قاضی میرزاده ^۴ و ملا حاجی سنجانی (۶/ ۳۹۷۴؛ ۲/ ۱۲۰۶)
خواجہ یحیی (گ. ۵۷)	خواجہ یحیی و سید حسن اردشیر (۷/ ۴۷۳۸؛ ۲/ ۱۱۷۲)
ابوالبرکہ (۱۱۵)	ابوالبرکہ سمرقندی و میر عبدالوہاب (۱/ ۴۳۳؛ ۵/ ۲۸۵۸)

۱- تصحیح حکمت: خطمی، متن = نسخ مجالس النفايس و تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۲- تصحیح حکمت: یغمورچی، متن = نسخ مجالس النفايس و تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۳- *عرفات العاشقين*: شاه‌مراد، متن = لطایف‌نامه.

۴- مصححان *عرفات العاشقين* ضبط درست لطایف‌نامه را به پاورقی برده‌اند.

فهرست‌واره زیر شامل نمونه‌های بیشتری است که مؤلف *عرفات‌العاشقین* ابیات یک شاعر را به شاعر دیگری، جز شاعر اصلی نسبت داده است:

عرفات‌العاشقین	لطایف‌نامه
زاهدی (۳/ ۱۶۴۹)	- امیری (۱۹)
خالقی باوردی (۲/ ۱۲۹۳)	- صانعی باخرزی (۵۲)
لقایی (۶/ ۳۶۵۲)	- مولانا زاده مولانا عبدالغفار (۱۴۶)
مایلی (۶/ ۳۹۸۷)	- لقایی سمرقندی (۱۴۶)
سلامی (۳/ ۱۸۶۱)	- شاه‌محمد (۱۵۳)
اسفراینی (۵/ ۲۷۸۲)	- زین‌الدین علی (۱۶۸)
فخری (۵/ ۳۱۹۹)	- محرمی ^۱ هروی (۱۶۹)
شاه ضیاء‌الدین (۴/ ۲۴۲۲)	- میرم سیاه (۱۶۹)

۴-۳- ضبط‌های نادرست در تصحیح *عرفات*

تصحیح و چاپ *عرفات‌العاشقین* توسط ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد بر اساس سه نسخه خطی ناقص و مغلوپ انجام شده و در نقل نسخه‌بدل‌ها به برخی نسخه‌های خطی دیگر هم مراجعه کرده‌اند. ما در طبقه متوسطین این چاپ بیش از سی و پنج ضبط غلط یا ناقص یافتیم که مصححان می‌توانستند با مراجعه به تذکره‌های قدیمی‌تر یا حتی معاصر اوحدالدین، آن‌ها را اصلاح کنند. مثلاً مولانا زینی سبزواری از جمله شاعران عامی است که مصاحب امیر شاهی سبزواری بوده و بیشتر به سرودن غزل تمایل داشته و در *لطایف* شرح حال او آمده است (فخری هروی، ۱۳۲۱: ۴۰). نام او در تصحیح اخیر *عرفات* (۱۳۸۹: ۳/ ۱۶۹۳) زینتی ثبت شده و ضبط درست آن به‌عنوان نسخه‌بدل در پاورقی آمده است. کافی بود مصححان به *لطایف*، که مأخذ اوحدی بوده مراجعه می‌کردند تا صورت صحیح را پیدا می‌کردند. مولانا خلف تبریزی (فخری هروی، ۱۳۲۱: ۶۵) در تصحیح اخیر به‌صورت خلقی آمده و صورت درست نام شاعر به پاورقی منتقل شده است (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۳۲)؛ خواجه موسی (فخری هروی، ۱۳۲۱: ۷۵) در متن تصحیح *عرفات* به‌صورت خواجه موسی انتخاب

۱- تصحیح حکمت: مجرمی، متن = نسخ مجالس‌النفایس و تصحیح تازه *لطایف‌نامه*.

شده و ضبط درست به پاورقی رفته است (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۶/ ۳۹۶۹)؛ خواجه خورد (فخری هروی، ۱۳۲۱: ۱۱۴) در تصحیح عرفات خواجه خسرو شده است (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۳۱۶). موارد دیگر را در فهرست زیر مشاهده کنید:

<i>لطایف‌نامه</i>	<i>عرفات العاشقين</i>
مولانا روحی پاذری (۱۵)	مولانا روحی بارزی (۳/ ۱۵۶۲)
مولانا علی آسی (۱۷)	مولانا علی آهی (۱/ ۵۵۳)
مولانا داعی (۲۰)	مولانا وداعی (۷/ ۴۵۴۷)
مولانا محمد جامی (۲۳)	مولانا محمد جانی (۲/ ۱۰۰۴)
مولانا علاء شاشی (۲۷)	مولانا علایی شاشی (۵/ ۲۷۹۷)
مولانا فصیح رویی (۳۲)	مولانا فصیح هروی ^۱ (۵/ ۳۲۱۷)
شاه بدخشان: لعلی (۳۶)	لعل بدخشانی (۶/ ۳۶۵۱)
مولانا خسروی (۳۹)	ملا خردی (۲/ ۱۳۶۴)
مولانا شامی (۶۲)	مولانا سامی ^۲ (۳/ ۱۸۲۳)
مقبلی ^۳ ترشیزی (۶۴)	مقبل ترشیزی (۶/ ۳۹۶۰)
مولانا نوری (۷۳)	انوری مشهدی (۱/ ۵۱۰)
مولانا غباری (۷۷)	مولانا عیاری (۵/ ۲۸۲۵)
قاضی زاده (۸۴)	قاضی میرزاده ^۴ (۶/ ۳۹۷۴)
سلطان محمود (۸۵)	خواجه سلطان محمد ^۵ (۲/ ۱۸۴۵)
مولانا برهان‌الدین هروی (۹۱)	برهانی هروی (۲/ ۷۷۵)

۱- مصححان عرفات العاشقين ضبط درست نسخه بدل را به پاورقی برده‌اند.

۲- مصححان عرفات العاشقين ضبط درست لطایف‌نامه را به پاورقی برده‌اند.

۳- تصحیح حکمت: قبولی، متن = نسخ مجالس النفايس و تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۴- مصححان عرفات العاشقين ضبط درست لطایف‌نامه را به پاورقی برده‌اند.

۵- مصححان عرفات العاشقين ضبط درست لطایف‌نامه را به پاورقی برده‌اند.

سلطان حسین ختمی ^۱ (۱۱۰)	سلطان حسین سرخطی (۳/ ۱۸۴۴)
میر یامغورچی بیگ ^۲ (۱۱۱)	امیر یغمورچی ^۳ (۷/ ۴۷۴۳)
میر خورد (۱۳۸)	امیر خسرو ^۴ (۲/ ۱۲۹۵)
خواجه کلان معمای (۱۵۰)	مولانا کلانی معمای (۶/ ۳۵۶۲)
مولانا حاجی محمد (۱۵۴)	مولانا جانی محمد (۲/ ۱۰۰۶)
مولانا فتحی مرغانی ^۵ (۱۵۸)	فتحی مرغانی (۵/ ۳۱۹۶)
مولانا میرکا ^۶ بخاری (۱۶۰)	مولانا میر کاشی سامانی (۳/ ۱۸۲۴)
مولانا چرمی ^۷ (۱۶۰)	مولانا چرمی ^۸ (۲/ ۱۰۴۶)
امیر قاسم ولدی (۱۷۱)	امیر قاسم دلداری (۳/ ۱۴۱۰)
شاهک (۱۷۲)	شاهمراد (۴/ ۲۰۹۷)
استاد علی کرمال (گ. ۵۳)	استاد علی کارمال (۵/ ۲۷۹۸)
مولانا حاجی محمد (گ. ۶۴)	مولانا محمد حاجی (۶/ ۳۹۲۶)
شیرم شغال (گ. ۶۶)	شیر شغال ^۹ (۴/ ۲۱۶۷)
خواجه عبدالله فرنخودی (گ. ۹۲)	قاضی عبدالله فرنخودی ^{۱۰} (۵/ ۲۸۸۷)

بررسی دقیق تر عرفات و مقایسه آن با دیگر تذکره‌های متقدم ممکن است ایرادات دیگر این تذکره مهم و اثرگذار را مشخص کند و اصلاح آن‌ها گامی است مهم در راستای دست یافتن به اطلاعات درستی که دست‌مایه هر مورخ ادبی باید باشد.

۱- تصحیح حکمت: خطمی، متن = نسخ مجالس النفایس و تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۲- تصحیح حکمت: یغمورچی، متن = نسخ مجالس النفایس و تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۳- مصححان عرفات/العاشقین ضبط درست نسخه‌بدل را به استناد ضبط اشتباه چاپ حکمت به پاورقی برده‌اند.

۴- مصححان عرفات/العاشقین ضبط درست دو نسخه‌بدل را به پاورقی برده‌اند.

۵- تصحیح حکمت: مرغانی، متن = تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۶- تصحیح حکمت: سرکا، متن = تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۷- تصحیح حکمت: چرمی، متن = تصحیح تازه لطایف‌نامه.

۸- مصححان عرفات/العاشقین ضبط درست دو نسخه‌بدل را به استناد ضبط اشتباه چاپ حکمت به پاورقی برده‌اند.

۹- مصححان عرفات/العاشقین ضبط درست نسخه‌بدل را به پاورقی برده‌اند.

۱۰- مصححان عرفات/العاشقین ضبط درست نسخه بدل را به پاورقی برده‌اند.

۳- نتیجه‌گیری

مجالس النفايس از طريق لطايف‌نامه نفوذ و تأثير چشم‌گیری بر تذکره‌های پس از خود داشته است. برای مثال طبقه متوسطین عرفات العاشقين عمدتاً برگرفته از مجالس و ترجمه آن است. در همین طبقه متوسطین اشتباهات زیادی دیده می‌شود که یا ناشی از سهو اوحدالدین بلیانی و یا برداشت نادرست مصححان بوده است. این اشتباهات شامل جعل شخصیت‌ها، مخلوط کردن ترجمه حال شاعران مختلف و یا انتساب نادرست ابیات یک شاعر به یک یا چند شاعر دیگر است. برخی ایرادات هم مربوط به گزینش مصححان است که با بر طرف کردن آن‌ها در چاپ‌های بعدی، صورت دقیق‌تری از عرفات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تذکره‌های عمومی در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت.

کتابنامه

- آل داوود، سید علی. (۱۳۷۴). «عرفات العاشقين: سیری در احوال و آثار مؤلف آن». نامه فرهنگستان. پاییز. شماره ۳. صص ۵۳-۳۳.
- _____، _____. (۱۳۸۶). «شاعران زن در عرفات العاشقين». نامه فرهنگستان. زمستان. شماره ۳۶. صص ۹۴-۷۹.
- _____، _____. (۱۳۹۰). «اهمیت و جایگاه عرفات العاشقين». جهان کتاب. دی و اسفند. شماره ۲۷۴-۲۷۲. صص ۲۱-۱۹.
- ابویی مهریزی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «احوال تاریخی و ادبی یزد در عرفات العاشقين». ضمیمه آینه میراث. مرداد. شماره ۳۵. صص ۳۰-۷.
- اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۸). «شیوه نقد و نقادی در تذکره مجالس النفايس». ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد. زمستان. شماره ۲۴. صص ۲۳-۷.
- امیر علی شیر نوایی، علی شیر بن غیاث‌الدین کیچکنه. (۱۹۶۱). مجالس النفايس. تصحیح سیومه غنی‌وا. تاشکند: نشریه آکادمیک فنون.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۹). عرفات العاشقين و عرصات العارفين. به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد. جلد‌های ۸-۱. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتاب‌خانه. موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- _____، _____. (۱۳۸۸). تذکره عرفات العاشقين و عرصات العارفين. به تصحیح

- محسن ناجی نصرآبادی. جلد‌های ۷-۱. تهران: اساطیر.
- ایرانی، نفیسه. (۱۳۹۳). «اوضاع ادبی فارس در دوره صفوی با توجه به تذکره عرفات‌العاشقین». ضمیمه آینه میراث. مرداد. شماره ۳۵. صص ۵۰-۳۱.
- بیگی حبیب‌آبادی، پرویز. (۱۳۸۸). تأملی در تذکره مجالس‌النفایس. تهران: امیر کبیر.
- بیدکی، هادی. (۱۳۹۴). «ضرورت تصحیح انتقادی لطایف‌نامه فخری هروی». تاریخ ادبیات دانشگاه شهید بهشتی. پاییز و زمستان. شماره ۳/ ۷۷. صص ۸۸-۵۷.
- جعفری جزی، مسعود و دیگران. (۱۳۹۳). «اشعار قطران تبریزی در تذکره عرفات‌العاشقین در سنجش با دو تصحیح موجود از این تذکره». ضمیمه آینه میراث. مرداد. شماره ۳۵. صص ۷۴-۵۱.
- خدایی، عاطفه و راغبیان، مرضیه. (۱۳۹۳). «حروفیه در عرفات‌العاشقین در مقایسه با تذکره‌های دیگر». ضمیمه آینه میراث. مرداد. شماره ۳۵. صص ۱۰۲-۷۵.
- رضوی، سید محمود. (۱۳۹۴). «عرفات‌العاشقین و ریاض‌الشعرا». اطلاعات حکمت و معرفت. دی. شماره ۱۰. صص ۷۱-۶۹.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۹۰). تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی. تهران: سخن.
- شفیعیون، سعید. (۱۳۸۹). «که کارهای چنین: نقدی بر چاپ تذکره عرفات‌العاشقین». آینه میراث. پاییز و زمستان. شماره ۴۷. صص ۱۵۲-۱۳۱.
- _____، _____. (۱۳۹۵). «تذکره‌ای در انزوا». آینه میراث. شماره ۵۸. صص ۸۳-۵۷.
- _____، _____. (۱۳۹۲). «سیری انتقادی در تذکره مجالس‌النفایس چاپ علی اصغر حکمت». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امیر علی شیر نوایی. صص ۱۲۰۳-۱۱۸۱.
- _____، _____. (۱۳۹۳). «شاعران اصفهان و اصفهان در عرفات‌العاشقین». ضمیمه آینه میراث. مرداد. شماره ۳۵. صص ۱۴۰-۱۰۳.
- عبداللهی، مجتبی. (۱۳۹۰). «مقایسه دو تذکره عرفات‌العاشقین اوحدی بلیانی و ریاض‌الشعراء واله داغستانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- علی‌زاده، جمشید. (۱۳۹۲). «شاعران تبریز و آذربایجان در عرفات‌العاشقین». گزارش میراث. آذر و اسفند. شماره ۶۱-۶۰. صص ۱۰۱-۹۸.
- علی‌زاده، علی. (۱۳۹۰). «عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین». آینه پژوهش. آذر و دی. شماره ۱۳۱. صص ۱۲۶-۱۲۵.
- فتوحی رودمجنی، محمود. (۱۳۹۲). «جایگاه عرفات‌العاشقین در تذکره‌نویسی فارسی». گزارش میراث.

- آذر و اسفند. شماره ۶۱-۶۰. صص ۹۷-۹۲.
- فخری هروی، سلطان محمد بن امیری. (۱۳۲۱). *لطایف‌نامه*. ترجمه مجالس النفايس امير علی شیر نوایی. تصحیح علی اصغر حکمت. تهران: کتاب‌فروشی منوچهری.
- _____، _____ . (زنده تا ۹۷۰ ق.). *لطایف‌نامه*. لندن: موزه بریتانیا. نمره مسلسل ADD.7669. [نسخه خطی] ترجمه ۹۲۸ ق. تاریخ کتابت ۹۶۵ ق.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). *تاریخ تذکرة‌های فارسی*. جلد ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- نحوی، اکبر. (۱۳۹۳). «شاعران منطقه فارس در تذکرة عرفات العاشقين». *ضمیمه آینه میراث*. مرداد. شماره ۳۵. صص ۱۵۵-۱۴۱.
- ناجی نصرآبادی، محسن. (۱۳۸۹). «نقد و بررسی تذکرة عرفات العاشقين». *کتاب ماه ادبیات*. اسفند. شماره ۱۶۱. صص ۱۲-۳.
- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۹۳). «مهاجران ایرانی آفاقی یا غربا با نگاهی به عرفات العاشقين». *آینه میراث*. بهار و تابستان. شماره ۵۴. صص ۳۰۲-۲۸۱.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۹۱). *تذکرة شاعران مشهد*. مشهد: پیام توس.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۳). «مجالس النفايس». *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. ج ۵. صص ۶۸۹-۶۸۷. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

